ما شاء الله لا قوة الا بالله

این کتاب فیض اکتساب محتوی چند ضروری مسایل عقاید نافع خواص و عوام موسوم به



مؤلفه عالم فاضل فقیه کامل جناب مولوی سید محمد صاحب ہاشمی ابن سید اسمٰعیل صاحب دام فیضه

مطبع نور گلزار سکندرآباد دکن طبع

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم اهدنا الصراط المستقیم وصل وسلم علی نبیک الکریم
وعلی آله واصحابه اجمعین - اما بعد چون این فقیر المدعو
سید محمد هاشمی بن سید اسمعیل غفر الله لهما خواست که طلبا مبتدیان مدرسه اسلامیه
واقع ترنگری را تعلیم مسائل عقائد وفقه که ضروری باشد بکنم - لیکن کتابیکه درخور مستعد او
آنها باشد - درین زبان نیافتم بنابران سطری چند که محتوی مضمون این المقصود باشد
بقید در آوردم واین را معین الاسلام نام کردم وما التوفیق الا بالله -

در ذکر عقائد ضروری بدان ای فرزند که او تعالی یگانه است بذات پاک
خویش ، انباز نباشد کسی در ملک او - بیچون وبیچگونه است - وبی رنگ وبی مو نیست
جسم دارد نه زبان - جهت دارد نه مکان - همیشه هست وخواهد بود - وصفات او بیشمار اند
ونقصان نیست صفت وی را - او تعالی زنده است نه بجان - دانا است نه به علم او دانا است
نه بتن - شنوا است نه بگوش - بینا است نه بچشم - گویا است نه به زبان - همه چیز از خواست
وی است - پاک است از عیبها ونقصانها **عقیده** اصل ایمان اقرار کردن است
بزبان ویقین داشتن از دل بمضمون کلمه لا اله الا الله محمد الرسول الله
یعنی نیست معبودی که لائق پرستش باشد مگر الله تعالی ومحمد رسول الله صلعم فرستاده خدا است
عقیده ایمان مفصل این است که اقرار کند بزبان وراستی دل اگرویده بخدا تعالی
وبفرشتگان او وبکتابهاے او وبرسولان او وبروز قیامت وبتقدیر نیکی وبدیها
که از خدا تعالی است **ایمان مجمل** آنکه - ایمان آوردم بجمیع آنها وایمان آوردم بالله -
او تعالی ازلی هست و ... **عقیده** ... الله
علیه وسلم انچه از پیش خدا تعالی از اوامر ونواهی آورده اند همه حق است سوال منکر
ونکیر در گور وحشر ونشر وحساب وکتاب وکراما کاتبین وثواب وعذاب وضغطه قبر

و میزان و پل صراط همه حق است **عقیده** دوزخ برای کافران است و بهشت
برای مسلمانان - **عقیده** خدای تعالی همه را بیامرزد مگر مشرک را **عقیده**
کرامت اولیا و شفاعت انبیا و صلحا و شهدا و اطفال مسلمانان حق است **عقیده**
حضرت ما صلی الله علیه وسلم را اذن شفاعت در دنیا شده است و ظهور او در قیامت
خواهد شد **عقیده** ثواب دعا و خیرات و عمل نیک مر مردگان را می رسد **عقیده**
بنای اسلام پنج است کلمه گفتن - نماز گذاردن - روزه داشتن در ماه صیام
زکوة دادن - حج گذاردن در حال استطاعت **عقیده** واجبات اسلام هفت است
صدقه فطر - قربانی اضحی - نماز وتر - نفقه ذوی الارحام - خدمت مادر و پدر - خدمت
شوهر مر زن را - عمره بجا آوردن - **عقیده** سنت های اسلام - [illegible] لب
باز کردن - موی زیر ناف تراشیدن - ناخن چیدن - موی زیر بغل دور کردن - [illegible]
مسواک کردن - ختنه کردن - **عقیده** تفصیل گناه کبیره - شرک کردن - [illegible]
قتل کردن مومن را بناحق - تهمت به زنا کردن زن شوهر دار را - فرار شدن
از جنگ کفار - سحر کردن - خوردن مال یتیم - نافرمانی کردن مادر و پدر را - شراب
خوردن - و مانند آن چنانچه شهادت نادیده ادا کردن - سوگند دروغ خوردن -
قمار و غیبت کردن وغیره **مسئله** فرض بر سه گونه است - فرض عین - فرض
کفایه - فرض ظنی - فرض عین آنست که یکیک فرد را بدان قیام باید نمود که از قیام بعضی بدان از ذمه دیگران
ساقط نشود - مانند پنج بنای اسلام - فرض کفایه آنست که چون بعضی بدان قیام
نمایند از ذمه دیگران ساقط گردد مانند جواب سلام و جواب خطبه و نماز جنازه - و
عیادت بیمار - فرض ظنی آنست که به اجتهاد مجتهدان ثابت شده باشد مانند آب
در دهن و بینی کردن در غسل - **مسئله** فرض عین بر دو قسم است فرض دائمی و
فرض موقتی - فرض دائمی مانند معرفت حق و بیزاری از کفر و موجبات آن - فرض موقتی
مانند نماز و روزه و زکوة و حج **فایده** مجتهدین اهل سنت چهار اند اول امام اعظم رح
یعنی ابوحنیفه کوفی که نام مبارک او نعمان بن ثابت است مناقب او بسیار اند امام اعظم رح
شاگرد امام جعفر صادق علیه الرحمة و هم حسن بن مثنی بعد تحصیل عزلت نشین
گردید و بحکم رسول الله صلی الله علیه وسلم از قرآن و حدیث مسایل می برآورد - دوم
امام شافعی رح سوم امام مالک رح چهارم امام احمد حنبل رح رحمهم الله تعالی -
عقیده از همه انبیا حضرت ما صلی الله علیه وسلم افضل اند پس حضرت
ابراهیم ع و موسی ع و عیسی ع و نوح ع و اسحاق ع و یعقوب ع و ادریس ع و یوسف ع

و اسمٰعیل و یونس علیہم السلام **عقیدہ کہ** یاران پیغمبر صلے اللہ علیہ وسلم چہار اند اول حضرت ابابکر صدیق رضہ دوم حضرت عمر فاروق رضہ سوم حضرت عثمان ذی النورین چہارم حضرت علی ابن ابی طالب رضہ رضی اللہ تعالے عنہم - **عقیدہ کہ** کتب آسمانی چہار اند زبور - انجیل - توریت - فرقان مجید **عقیدہ کہ** چہار فرشتہ معزز اند جبرئیل - میکائیل - عزرائیل علیہم السلام -

در ذکر عبادات

بدان ای فرزندان کہ عبادت بر چہار قسم ہست اول فرض کہ از نص قطعی ثابت شدہ منکرش کافر گردد و تارک آن لائق عذاب - دوم واجب کہ منکرش کافر نگردد و تارکش در عذاب باشد - سوم سنت کہ منکرش بعد تحقیق کافر باشد و تارک آن سزاوار ملامت و عتاب - چہارم نفل کہ عامل او مثاب باشد - **در ذکر وضو** بدانکہ در وضو چہار فرض ہست اول روی شستن از موی پیشانی تا زیر زنخ واز یک نرمۂ گوش تا نرمۂ گوش دیگر دوم ہر دو دست شستن تا آرنج سوم مسح ربع سر از ہر طرف کہ خواہد چہارم پای شستن تا شتالنگ **در ذکر سنتہای وضو** - سنت ہست در وضو نیت کردن - نام خدا بر زبان راندن - ہر دو دست شستن تا بند دست - مسواک کردن - آب در بینی - در دہان کردن - خلال کردن انگشتان و ریش را - و سہ بار شستن ہر عضو را - مسح کردن تمام سر را - ترتیب نگہداشتن پے در پے شستن - **در ذکر مستحبات وضو** مستحب است در وضو شروع کردن از جانب راست - مسح گردن - **مسئلہ** شرط وجوب وضو نماز ہست - شرط وجوب نماز وقت ہست - **در ذکر شکنندۂ وضو** - می شکند وضو را آنچہ از پیش و پس ظاہر گردد - خون روان - زرد آب روان - خواب تکیہ زدہ - قی پری دہن - بلغم باشد یا خون بستہ اگر با خون بزاق شامل و غالب باشد ناقص نیست ہمچنین قے از بلغم خالص بیہوشی - دیوانگی - خندہ قہقہہ در نمازیکہ رکوع و سجود دارد - مباشرت فاحشہ **در ذکر فرایض غسل** بدانکہ در غسل سہ فرض ہست آب در بینی و دہن کردن - و تمام اندام را شستن - **مسئلہ** اگر بافتہ اصول موئی بافتہ زن آب رسد کشا دنش ضرور نیست - **مسئلہ** سنت ہست شستن ہر دو دست پیش از استنجا شستن شرمگاہ و دور کردن نجاست از بدن - مگر ہر دو پا سے را بعد غسل بشوید ... تمام اندام آب روان سازد - **مسئلہ در واجبات غسل** -

بیان که غسل از چهار چیز واجب میشود - اول غایب شدن سر ذکر در قبل یا دبر - دوم
انزال که بسبیل دفق و شهوت باشد در خواب یا در وقت بیداری سوم از حیض
چهارم از نفاس بعد از پاک شدن مسئله از بر آمدن ودی و مذی و از احتلام که
اثرش ظاهر نباشد غسل لازم نمی آید - مسئله سنت است غسل بروز آدینه و عیدین
و برائے احرام حج و روز عرفه - مسئله واجب است غسل مرده بر زندگان و غسل
آنکس که اسلام آرد اگر جنب باشد ورنه مستحب - مسئله در تیمم چهار فرض است
اول نیت کردن دوم خاک پاک سوم یک ضرب برای روے چهارم ضرب دیگر
برائے هر دو دست - مسئله شکننده وضو مبطل تیمم است و نیز قدرت باستعمال
آب تیمم جایز می شود در حالیکه آب بقدر یک کروه باشد یا بیمار را که خوف مضرت باشد
یا بر مکان آب خوف دشمن یا سباع باشد یا قیمت دو چند داده یا بر چاه رسید مگر
اسباب بر آوردن آب موجود نباشد مسئله در نماز جنازه خلاف او را نباشد تیمم درست است
مسئله محدث را تیمم بجاے وضو است و جنب را بجاے غسل است مسئله
از یک تیمم دو فرض یا زیاده گذاردن جایز است - در ذکر آب آب روان
و آب ده در ده پاک باشد تا وقتیکه رنگ یا بو یا مزه متغیر نشود - مسئله
سواے آب روان و آب کثیر نجاست کم باشد یا بسیار نجس باشد از آب جاری
وضو و غسل جایز است اگر نجاست دران افتاده باشد لیکن شرط آن است که
اثر نجاست ظاهر نباشد - مسئله هر جانوریکه خون روان ندارد و مردنش آب را
نجس نمی کند چنانکه مگس و پشه و ماهی و غوک - مسئله اگر بر موش یا سنور اندر
در آب افتد و بمیرد بیست دلو بیرون کشند و اگر برابر حمام باشد چهل دلو بیرون کشند
و هر چه مانند گربه باشد شصت دلو بر کشند و هر چه مانند گوسفند باشد همه آب بر کشند
و اگر جانورے اماس کرده یا پاره پاره گردیده یا موے از تنش فرو ریخته باشد
یا شکم دریده باشد همه آب از چاه خالی سازند - در ذکر مسح موزه مسح
بر موزه مرد و زن را درست است مسافر را سه شبانه روز و مقیم را یک شبانروز اگر
بر طهارت کامل پوشیده باشد ناقضش ناقض وضو است - اشتراط در موزه که
برابر سه انگشت باشد مسح را مانع است و نیز انجام مدت در ذکر دباغت
پوست مرده سواے پوست آدمی و خنزیر از دباغت پاک می شود مسئله
جلد جانور مذبوح بغیر دباغت پاک است مسئله موے و استخوان مرده پاک است

در ذکر حیض و نفاس حیض آن خون است که از رحم زن جوان بیرون می آید کمتر مدت
آن سه شبانه روز است و اکثر آن ده روز اگر ازین مدت زیاده و کم گردد بیماری است مسئله
نفاس آن خون است که بعد از تولد زن جوان ظاهر میشود و اکثر مدت آن چهل روز است
و کم را حدی نیست مسئله زنان در حیض و نفاس نماز نگذارند و روزه ندارند
در مسجد نه درآیند و طواف خانهٔ کعبه را ادا نکنند و بغیر غلاف قرآن مجید را مس نکنند و
با شوهران جمع نشوند مگر روزه قضا بکنند مسئله خون استحاضه حکم خون بینی دارد
هر نماز را وضو تازه باید کرد در ذکر طهارت ثوب و اندام پاک می شود از آب و هر
آن چنانکه سرکه و آب و عصارهٔ میوه مسئله کفش و موزه پاک می شود از مالیدن اگر
نجاست تندار باشد ورنه باید شست مسئله شمشیر و چاقو و آیینه پاک میشود از مالیدن
و زمین از خشک شدن بشرطیکه نشان باقی نماند نماز بر آن درست است و تیمم روا نیست
فایده نجاست تندار مثل غایط و سرگین و غیر تندار مثل بول وغیره در ذکر نجاسات
خون و شراب و سرگین و روث اسپ و پس افگندهٔ ماکیان و کوچه گرد و بول جانوران مردار
نجاست مغلظه باشد برابر درم شرعی نماز را مانع نیست و معاف است و علی هذا القیاس
بول جانوران حلال و پس افگندهٔ پرندگان حرام نجاست مخففه است مقدار ربع
در عرض و طول نماز را مانع نیست مگر پاک کردن اولی مسئله هر نجاست که مرئی است
چندان بشوید که دور شود و غیر مرئی را سه بار بشوید و هر بار خشک کند چنانکه قطره موقوف
شود مسئله استنجا از خاک و سنگ و خشت سنت است و از آب افضل در ذکر نماز
در اوقات نماز وقت فجر از صبح صادق تا طلوع آفتاب است و وقت ظهر از زوال آفتاب
بگذرد تا تضاعف سایه از سایهٔ اصلی هر چیز و وقت عصر از آخر وقت ظهر تا غروب آفتاب
و وقت مغرب از غروب آفتاب تا زوال شفق و وقت عشا از زوال شفق تا صبح صادق مگر
بعد نصف شب مکروه است و وقت وتر بعد از عشا تا فجر است مسئله نماز و سجدهٔ
تلاوت و نماز جنازه وقت طلوع و غروب و استواء آفتاب منع است در ذکر فرایض نماز
فرض است در نماز تن و جامه و جای پاک داشتن و ستر عورت و شناختن وقت نماز
و نیت نماز و رو بجانب قبله کردن این هفت چیز را احکام و شرائط نماز می گویند
تکبیر اول و قیام و قرائت و رکوع و سجود و قعدهٔ آخر و بیرون آمدن مصلی از نماز
بفعل این را ارکان نماز میگویند مسئله در واجبات نماز واجب است در نماز
سورهٔ فاتحه خواندن و ضم سوره با آن تعیین قرائت در دو رکعت اول از فرایض نماز

ترتیب درمیان ارکان نماز - تعدیل ارکان یعنے قرار گرفتن در رکوع و سجود بمقدار
سه تسبیح - قعدهٔ اول و التحیات خواندن در هر دو قعده - بلند خواندن در سه نماز آهسته
خواندن در دو نماز امام را و منفرد مخیرست - بلفظ سلام از نماز بیرون آمدن تکبیرات
عیدین خواندن - دعای قنوت در وتر اگر یاد نباشد ربنا آتنا فی الدنیا حسنة
و فی الاخرة حسنة وقنا عذاب النار - یا اللهم اغفر لی تا آخر سه بار بگوید
در ذکر سنتهای نماز سنت ہست اذان و تکبیر اقامت برای نماز فرض
ثنا خواندن بدین کلمات - سبحانك اللهم وبحمدك وتبارك الاسمك
وتعالی جدك ولا اله غیرك وتعوذ یعنے اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم - بعد ازان تسمیه یعنے بسم الله الرحمن الرحیم و آمین آهسته گفتن
تکبیرات در رکوع و سجود و درود خواندن بدین کلمات اللهم صل علی محمد
كما صلیت علی ابراهیم وعلی ابراهیم انك حمید مجید - اللهم بارك
علی محمد كما باركت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انك حمید مجید
و دعا این ہست اللهم اغفر لی ولوالدی ولمن توالد وارحمهما كما ربیانی
صغیرا ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء
منهم والاموات برحمتك یا ارحم الراحمین ورفع هر دو دست وقت تکبیر تحریمه
مردان را تا اذن - و زنان را تا دوش - و دست بستن مردان را زیر ناف
و زنان را بر سینه چنانکه پستان بر بسیار باشد - و دست بر رکبه نهادن در رکوع -
سمع الله لمن حمده گفتن هر امام را - و ربنا لك الحمد گفتن مر مقتدی را و منفرد
هر دو صیغه گفتن - و رفع سبابه هر دو شهادتین بر لفظ لا اله و نهادن بر لفظ
الا الله - در ذکر مکروهات نماز - مکروه ہست اندر نماز کاری که خارج
از نماز باشد کردن - برهنه سر گذاردن بغیر عذر و درست کردن لباس
و خمیازه کردن - بند انگشتان شکستن - چادر و غیره از دوش آویزان داشتن
ترك سنت کردن - از صف علیحده استادن - انگشتری و غیره از زر پوشیدن
در ذکر مفسدات نماز - مفسد ہست مر نماز را بالاتر از امام استادن و خوردن
و نوشیدن و کلام کردن و قرآن دیده خواندن و جواب عطسه گفتن و فعل کثیر
کردن و سلام کردن و جواب سلام دادن و باستماع خوشخبری الحمد لله
گفتن و باستماع مصیبت انا لله گفتن و بغیر عذر تنحنح کردن و خندیدن و نالیدن

و روی گردانیدن از جانب قبله **در ذکر آداب نماز** در وقت قیام بر سجده گاه
نظر کردن و در وقت رکوع نظر بر اقدام دوختن و در سجده نظر بر بینی گماشتن و در قعده
در کنار خود دیدن چون قصد سجده کند اول آن عضو بر زمین نهد که بزمین قریب باشد
علی هذا یکیک عضو را بتمام بر زمین نهد و وقت قیام عکس آن بکند و چون سلام دهد
روی خود را اول جانب یمین و بعد از ان بجانب یسار بگرداند و دهان را نزد خمی
ازه بند نماید و سرفه را تا تواند باز دارد **مسئله** جماعت سنت موکده است هرگز
بغیر عذر ترک آن لازم نے و احق با امامت عالم تر بفقه است پس تر عالم بقرات قرآن
بعد از ان متقی و همچنین بدرجات - **مسئله** اگر در حالت نماز وضو از مصلی ساقط
شود باید که وضو کرده نماز را تمام نماید اگر حرکتیکه مفسد نماز است صادر نشده باشد
مگر از سر گذاردن اولی است - اگر از امام وضو رفته باشد مقتدی را خلیفه کرده
وضو بکند **در ذکر نماز فوائت** در نماز وقتی و فائته و باهم در تمام فائته ترتیب
فرض است و از تنگی وقت و نسیان و کثرت فوائت یعنی از فوت شش نماز ترتیب
ساقط میشود **مسئله** اگر از سهو در نماز واجبی ترک شود یا در فرض تقدیم و تاخیر
شود سجده سهو لازم آید بعد تشهد یکطرف سلام داده دو سجده سهو بکند بعده تشهد
و درود و دعا خوانده نماز تمام کند منفرد باشد یا امام - **مسئله** از سهو امام بر مقتدی
و مسبوق سجده لازم آید **ف** مسبوق آنست که امام را در یک رکعت یا زیاده
از ان دریافته باشد **در ذکر نماز وتر** نماز وتر سه رکعت بیک سلام
واجب است در هر رکعت بعد فاتحه ضم سوره بکند و در رکعت سوم پیش از رکوع امام
و مقتدی هر دو قنوت بخواند اگر یاد نباشد سه بار ربنا آتنا بخواند یا اللهم اغفر لی
تا آخر سه بار بخواند - **در ذکر مسافر** اگر کسی براه سه روزه اراده سفر کند بسفر تری
باشد یا خشکی پیاده باشد یا سوار چون آبادی وطن از نظر غائب شود فرض چهارگانی
قصر کند یعنی دوگانی بخواند و روزه را افطار کند - **مسئله** اگر در وطن یا در شهری
اراده قیام پانزده روز بکند حکم مقیم دارد - **مسئله** قضا نماز سفر در حضر دوگانی
بگذارد و قضائی حضر را در سفر چهارگانی - **مسئله** اگر مقیم امام باشد و مسافر مقتدی
مسافر نیز چهار رکعت بگذارد و اگر مسافر امام باشد مقیم مقتدی را باید که بعد از سلام
نماز را تمام کند **مسئله** دو رکعت قبل از فرض فجر و چهار رکعت پیش از فرض
ظهر و دو بعد از ان و چهار قبل جمعه و چهار و دو بعد آن و دو بعد مغرب و عشا سنت موکده

مسئله چهارده مقام در قرآن مجید سجده است بر تالی و سامع سجده واجب می شود
اگر در نماز باشند یا بیرون از نماز **در ذکر نماز جمعه** نماز جمعه بر هر مرد آزاد
جوان تندرست و مقیم فرض است بعد وجوب ترک آن مورث قساوت قلب است
شرائط آن اینست شهر یا فنای شهر مسجد جامع پادشاه اسلام وقت
ظهر خطبه جماعت اگر سه مقتدی باشند اذن عام برای دخول مسجد **مسئله**
چون خطبه شروع شود شنیدن آن واجب است در آن وقت نماز نگذارد **در ذکر**
نماز عیدین نماز عیدین واجب است بر کسیکه واجب باشد بر وجمعه شرائط جمعه
و عیدین یک است مگر خطبه در عیدین بعد نماز است و وقت نماز عیدین بعد از طلوع
آفتاب تا زوال است و در نماز عیدین شش تکبیرات سه بعد ثنا و سه در رکعت دوم
قبل از رکوع **مسئله** تکبیرات تشریق با امام از روز عرفه تا عصر سیزدهم است
در ذکر کسوف و خسوف چون آفتاب گرفته شود بگذارد دو رکعت نماز
با امام یا بی او و چون ماه گرفته شود منفرد بخواند تا وقتیکه خسوف گرفته باشد در استغفار
باشد **در ذکر نماز استسقاء** چون امساک باران شود و خلق هراسان
گردد هر مصلی را دو رکعت نماز بگذارد در نیت استسقاء و خلق در لباس بذله باشند
و امام خطبه بخواند و استاده دعا کند **در ذکر نماز خوف** اگر دشمن یا سباع
موجود باشند دو گروه گروه شود یک گروه نماز ادا کند گروه دیگر در دفع دشمن کوشد
مقیم دو رکعت و مسافر یک رکعت بگذارد و چون گروه اول از نماز فارغ شود بمقابله
خصم آید گروه دوم نماز بگذارد و چون مضطر باشند و کشته سوار باشند رخصت و بانفراد
نماز ادا کنند بهر طرف که توانند رو آرد **در ذکر تراویح** در ماه صیام بعد سنت عشا
پیش از وتر نماز تراویح بیست رکعت بده سلام بگذارد و بعد هر چهار رکعت جلسه کند
بقدر چهار رکعت **مسئله** در تراویح یک ختم قرآن سنت است **در ذکر**
نماز جنازه نماز جنازه فرض کفایه است و شرائط آن اسلام و طهارت میت است
و ولی میت هر کرا اجازت بدهد امامت کند **مسئله** در نماز جنازه چار تکبیر است
در اول ثنا در دوم درود در سوم دعاء مغفرت در چارم سلام و دعای مغفرت
اینست اللهم اغفر لحینا ومیتنا وشاهدنا وغائبنا وصغیرنا
وکبیرنا وذکرنا وانثانا اللهم من احییته منا فاحیه على الاسلام
ومن توفیته منا فتوفه على الايمان اگر میت زن باشد ضمیرها بجای
مونث بخواند اگر جنازه طفل باشد این دعا بخواند اللهم اجعله لنا فرطا

واجعله لنا اجرا و ذخرا واجعله لنا شافعا و مشفعا بخواند اگر جنازه صبیه باشد
بجای اجعله اجعلها بخواند و بجای شافعا و مشفعا شافعة و مشفعة بخواند
نیت جنازه این است. نماز جنازه می گذارم چهار تکبیر است برای خدای تعالی و دعای
برای این میت در ذکر روزه. روزه عبارت است از ترک اکل و شرب و جماع
و از صبح صادق تا طلوع آفتاب نیت در روزه شرط است. مسئله بر هر مسلمان
عاقل و بالغ مرد باشد یا زن آزاد باشد یا غلام روزهٔ رمضان فرض است و روزهٔ نذر
واجب است مسئله نفسا و حائضه و مسافر و مریض قضا کند مسئله از فراموشی
چیزی بخورد یا بیاشامد یا جماع کند وغیره چنانکه احتلام شود و در سر روغن اندازد و در چشم
سرمه کشد در روزه نقصان نیاید. مسئله در مفسدات روزه جماع یا اغلام کند
یا کنانید یا قصدا غذا یا دوا بخورد یا بنوشد قضا و کفاره هر دو لازم خواهد شد مسئله
کفارهٔ روزه این است اگر تواند بنده آزاد کند یا پی در پی دو ماه روزه دارد یا شصت
مسکین را به سیری شکم طعام بخوراند مسئله شیخ فانی که روزه داشتن نتواند
فدیه دهد که طعام یک مسکین است در ذکر صدقهٔ فطر صدقهٔ فطر واجب است بر آن
کسی که زکوة بر او واجب باشد و وقت آن پیش از طلوع آفتاب است مسئله صدقه
برای هر فرد یک صاع جو یا نیم صاع گندم است مسئله صدقهٔ فطر بدهد از طرف
خویش و از بچهٔ خویش و بندهٔ خویش. در ذکر اعتکاف در آخر عشرهٔ رمضان
به نیت اعتکاف در مسجد معتکف نشیند سنت موکده است. و زن در مسجد خانه نشیند
و معتکف بی ضرورت از مسجد بیرون نیاید مگر بر ضرورت حاجت چنانکه نماز یا رفع
حاجت بشری. مسئله معتکف را خرید و فروخت و خوردن و آشامیدن و خفتن
در مسجد جایز است مگر اسباب خرید و فروخت در مسجد حاضر نکند مسئله وطی و مساس
و بوسه در اعتکاف حرام است اگر نیت اعتکاف روز کند شب هم در اعتکاف است
در ذکر زکوة زکوة دادن از مال فرض است بر هر عاقل و بالغ مسلمان آزاد که
مالک نصاب باشد و ملک کامل داشته باشد. مسئله زکوة بی نیت ادا نمی شود
باقی را از کتب دیگر دریافت نمایند در ذکر حج حج خانهٔ کعبه در عمر یکبار فرض است
بر مکلف صاحب اسلام بشرط حریت و صحت و زاد و راحله برای آمد و رفت موافق
باشد و از حاجت اصلی فاضل باشد و برای سواری و نفقهٔ عیال تا عود است و
در راه امن باشد مسئله اگر مسافت سفر در میان نباشد غیر محرمات را درست با

ورنه محرم یا شوهر همراه باشد۔ **مسئله** چون احرام بندد وضو یا غسل کرده چادر
با ازار سپید پوشد وخوشبو مالد ودوگانه ادا کند ونیت حج اینست اللهم انی ارید الحج
فیسره لی وتقبله منی بعد ازان لبیک ان الحمد والنعمة لک والملک لک لبیک
واز جماع ومساس وبوسه احتراز کند واز فحش وفجور وجدال با رفقا باز ماند واز شکار وسراغ
دادن شکار رو از پوشیدن جبه وپاجامه وکلاه وقبا نیز پرهیز کند۔ **مسئله** احرام
وایستادن در عرفات وطواف زیارت در حج فرض است۔ ودر مزدلفه ایستادن ودر صفا
ومروه دویدن ورجم وطواف صدر کردن وموی سر تراشیدن واجب است باقی سنت
مسئله هر گناه که در حج ممنوع است از ارتکاب آن قربانی لازم آید۔ باقی را از
جایگاه آن تلاش کند **فائده** هر مناجاتیکه دران او تعالی را باسم یارب دعا کرده شود
زود بدرجهٔ اجابت رسد بنا بر آن بیتی چند بطور مناجات نوشته شد تا هر که خواند بوسیلهٔ
آن بدرگاه حضرت باری عرض نیاز خود بکند۔ این است **مناجات**

تو دانی چارهٔ هر کار یارب + منم از هر کران ناچار یارب + تو بکشا با فضل وجود واحسان + گره آسان شود دشوار یارب
مرا زچون منی عاجز بگردان + مرید از کارم آب کار یارب + ببستم عهدها با تو نه زا[illegible] + شکستم از فسون هر بار یارب
ز دست نفس وشیطان در فغانم + ز شرشان نگاهم دار یارب + نمی دانم چه آید پیشم آخر + ازین هنگام درپیش [illegible] یارب
تو رحمی کن به فیضان رحیمی + تو ستاری تو غفار یارب + منور ساز جانم یا الهی + ز نوم جهل کن بیدار یارب
دم آخر با قرارت برآری + بکن حشرم مع الاخیار یارب + بحق غوث اعظم شیخ دوران + بحق احمد مختار یارب
نیاز هاشمی مقبول فرما + تو مارا از کرم مگذار یارب۔ **انتباه**

تا اینجا که فقیر مؤلف بیان کردم ذکر صیام وصلوة وحج وزکوة بود بقدر حاجت وبوجه اختصار
تا مبتدیان را ملال نیانجامد وضبط آن باسانی صورت بندد الحال مناسب آن که
نبذی از اخلاق وبعضی از فوائد یاد کنم تا متعلمین را بکار آید وذخیرهٔ آخرت را نشاید
من الله التوفیق۔ بدان ای فرزند که آدمی مجبول است بر طبیعت حیوانی که رذالت او
در آن است ونیز بر طبیعت ملکی که شرافت او منوط بدو است کما قال کرمنا۔ اشارت
ازان است وانکه اخلاق سیئه که رذالت بنی آدم بدان منحصر است اینست چنانکه کذب
وغیبت وحیله وسستی وبخل وغضب وجفا وشر وحسد وغیره۔ اگر کذب را
عادت کنی جوهر اثر از زبان برود ونزد خلایق بی اعتبار وخوار گردی ونزد خالق
[illegible] خلایق گردی [illegible] آخر زبان [illegible]
وغیبت اشد از زنا است۔ اگر [illegible]

آتش سوزان است جان خود را بیفایده درالم داری اگر سستی را دوست داری هم از فایدهٔ دنیا و هم ثواب آخرت باز مانی ـ جهل بلائیست بد جاهل از جهل خویشتن خلایق شرمسار باشد و نزد خالق سزاوار نار ـ غضب و در هیچ حال دوست مدار غضب آتشیست از دوزخ چون غضب در دل آدمی افتاد سراپای او سوخت جفا مکن که نتیجهٔ آن جفا است ـ شره کم کن که حریص ناسپاس گذار است در آخر حال حسرت خورد ـ خنده مکن که خندهٔ این عالم گریهٔ آن عالم است پس همچنین خیال کن دیگران را ـ پس عاقل کسیکه از امثال چنین که مذکور شد اجتناب ورزد و عادت نه کند و هر دم در سعی آن باشد و کوشد که از سیئات اعمال دور باشد و بر محاسن امور ترقی نماید که شرافت نفس بشر مقصود از آن است انسیت ـ چنانچه صدق و وفا و صبر و قناعت و تواضع و حلم و شکر و علم و جهد و گریه و غیر ذلک ـ اگر صدق را خو کنی اعتبار و وجاهت را نشایان باشی و از مهالک و مضار نجات و مناص یابی ـ چون وفا را پیشه کنی عزیز دلها شوی و به صف کریمان نشینی ـ صبر دولتیست که مفتاح فرح است که هزار بستگیها از کلید صبر کشاده یافتند ـ قناعت گنجیست بی زوال چون قناعت ورزی از خواری رستی ـ تواضع ذریعهٔ رفعت و عظمت باشد هر که نیاز آورد عزت جاودانی یافت حلم وقاریست بی پایان در هر حال حلم را نگهدار که عزت یابی ـ شکر باعث ازدیاد نعمت است هر که شکر کرد زیاده یافت ـ علم کیمیائی است که مس وجود را زر گرداند هر که علم آموخت خیر دارین اندوخت ـ جهد کن تا حسرت نخوری تا تخم نیفشانی غله نبری ـ گریه کن که گریهٔ این عالم خندهٔ آن عالم است ـ پس نیکبخت کسیکه دایم جانب صلاح باشد و از حق توفیق خیر طلبد و امیدوار فضل باری باشد ـ والله الهادی الی الرشاد ـ ای فرزند مادر و پدر را غنیمت دان خدمت ایشان واجب است تعظیم این ها از دل بکن جنت در زیر قدم مادران است ـ هر که از وی مادر و پدرش خوشنود باشند رضای الهی داند و ناخوشنودی این ها غضب خدا ـ ای فرزند تا زنده همه کس را بر تو حق است حق همه کس را نیک بشناس که روز بازپرس پرسیده شوی ـ ای فرزند کاری مکن که جانب خلق هم فرو نرود و جانب خالق هم ضایع نشود ـ ای فرزند چون کاری آغاز کنی به بسم الله آغاز کن که انجامش بخیر برآید ـ و بر هر نعمت و راحت الحمد بخوان و بر هر رنج و مصیبت انا لله ـ ای فرزند خداوند تعالی از حکمت کاملهٔ خود نفسی چند ودیعت نهاده است در وجود آدمی بر می آیند و فرو می روند ـ و عمر عبارت از همین است چون آن [illegible] تمام است مرگ عبارت از همین است ـ باید که بیاد او

پیدم مهما نگاهی شاید که دم آخر باشد و در یاد حق سر شود چه خوش باشد - ای فرزند در هر دم
خدا را یاد بکن و حق را دوست دار که آخر کار با دست تهی بینی که چون کسی بمیرد یار و دوست
و فرزندش تا گور رفیق اند در شکم زمین سپرده می روند چون حال این است محبت با ایشان
چه شود - دل در بند کسی که وفا و بقا دارد و او تعالی هست و بس - ای فرزند از جادهٔ توحید
بر نگرد و در صوم و صلوة قایم باش و کار دنیا را مختصر گیر که فرصت کم است دنیا را وفای نیست
غم دین خور غم دنیا مخور - ای فرزند تا توانی با وضو باش و وضو حصار لیست آهنی مر مسلم را
که صاحب او در حفظ باشد - ای فرزند چون صبح برخیزی خدا را یاد کن از حاجت ضروری
فارغ گشته وضو بکن و نماز بگذار و سورهٔ یسین شریف دایم بخوان و پاره لمیت
قرآن شریف لازم گیر و هر چند توانی کثرت درود کن - ای فرزند در هر کار خود
توکل بر خدا کن بر اسباب تکیه مکن - ای فرزند در نماز سستی مکن که دل
و پیش حق است - ای فرزند جمعه ترک مکن - و تر گذارده در خواب رو - ای فرزند علم بیاموز
که جهت خالقیت و جهت مخلوقیت نیکو شناسی و نتایج پسندیده از علم حاصل کنی که ای
فرزند در حدیث صحیح وارد است که هر صباح و مسا بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شیٔ فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم - سه مرتبه بخواند از هر گزند
برکنار باشد چنانکه فقیر یاد دارم که روزی این دعا را وظیفه کرده بودم بعد مغرب از سقف
خانه گژدمی بر جسم من افتاد من از اشتغال دیگر امور بخیال کرمی بر او التفات نکردم همچنین
از دست دور می کردم باز بر می آمد تا سه کرت چون نیک نگریستم دانم که عقرب است پس کارش
تمام کردم لیکن از نیشش محفوظ ماندم دانستم که برکت دعا است - ای فرزند که اگر کثرت
غم بر تو اشتداد نماید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم را لازم باش ای
فرزند چون در سر انجام کاری متردد باشی افوض امری الی الله ان الله بصیر
بالعباد - بخوان از غیب کارسازی گردد - ای فرزند استغفار را لازم باش که در آخرت
خوشنود باشی - ای فرزند استاد را ادب کن که خیر الا با ادب است - ای فرزند در آزار کسی
مباش تا توانی راحتی برسان - ای فرزند مهمان را تعظیم کن که مهمان انعام خدا است - ای فرزند
با جوار با مروت و با شفقت باش - روزی پدرم رحمة الله علیه مرا پندی می فرمود که ای فرزند
زندگانی کن با خلق بی غرور و با وقار و با خالق با نیاز و خلوص الحق خوب قسم فرمود ای فرزند
زن و فرزند را نیکو دار - ای فرزند تا توانی در نشستن و برخاستن و گفتن و ملاقات
و خفتن و خوردن و پوشیدن و نوشیدن و شنیدن و دادن در جمیع احوال

جانب شرع شریف را فرونگذاری و شریعت پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم همه ادب است —
یقین بدان که تا در خانه چند ست مهمان هستیم لازم مهمان ادب است هر که ادب ورزید
پیش خالق و چه پیش خلائق عزیز گردید — والحمد لله اولا وآخرا وصلی الله
علی محمد خیر الورى و علی آله واصحابه اجمعین —

قطعهٔ تاریخ اختتام از فقیر مؤلف

هاشمی ختم شد کتاب عزیز	خوش بگوئی سپاس رب صمد
گفت سالش دلم ز روی بجا	خوش بیان نماز و روزه بود
	۱۳۰۵

قطعهٔ تاریخ اختتام از برادر مولف سمی سید محمود صاحب

حضرت اخوی من مولا فضل عتاب	صاحب عرفان و نسبت اهل فیض دائمی
خوش کتابی گفت اندر فقه آن عالی جناب	قرده فرمای مصلی شاد و باشوق صائمی
گفت محمود نیاز آگین سن اتمام آن	یادگار هاشمی نیکو نگار هاشمی
	۱۳۰۵

قطعهٔ تاریخ از همشیره زاده صاحب ولف مولوی سید بهاء الحق الملقب به ابو الخیر

آنکه ماموی من بفضل و کمال	هست در دین عالم و فاضل
کرد تصنیف یک کتاب عجیب	در مسایل مدلّل و مجمل
گفت ابو الخیر سال اتمامش	سخن دین و دولت کامل
	۱۳۰۵

باهتمام تصحیح مدی [illegible] محمد [illegible] حسن [illegible] صاحب [illegible]

در مطبع [illegible] دکن واقع محله عبد الرزاق رجمنٹ بازار سکندرآباد [illegible] چاپ شد [illegible]

اطلاع

درینولا الکتاب فیض اکتساب دربیان چند ضروری مسایل عقاید وفقه
مفید خاص و عام موسوم به معدن الاسلام که کافه مسلمین بمطالعه اش برای اعمال
وعبادات فرضیه نمودن نتوانند و متعلمین از تعلیم آن ترقی استعداد خود بهم رسانند جناب فضیلت مآب
خلاصه خاندان مصطفوی و نقاوه دودمان مرتضوی واقف علوم فروع و اصول کاشف دقایق
معقول و منقول عمدة الذاکرین نخبة العابدین لوذعی والمعی جناب مولوی سید محمد صاحب هاشمی
بن سید اسمعیل صاحب مهسوری دام فیضه محض بنظر افاده طلبای مدارس وغیره تالیف
فرموده برای انطباع بمطبع هذا الطریق هبه عطا فرموده پس بلا اجازت این مطبع کسے
قصد طبعش ننماید و بخیال حصول منفعت نقصان نه رساند فقط

العبد

مہتمم [illegible]